



## قریه اتلاف کننده آب

Water Waste Village



3asafeer.com

نویسنده: سمیرا سیدانی

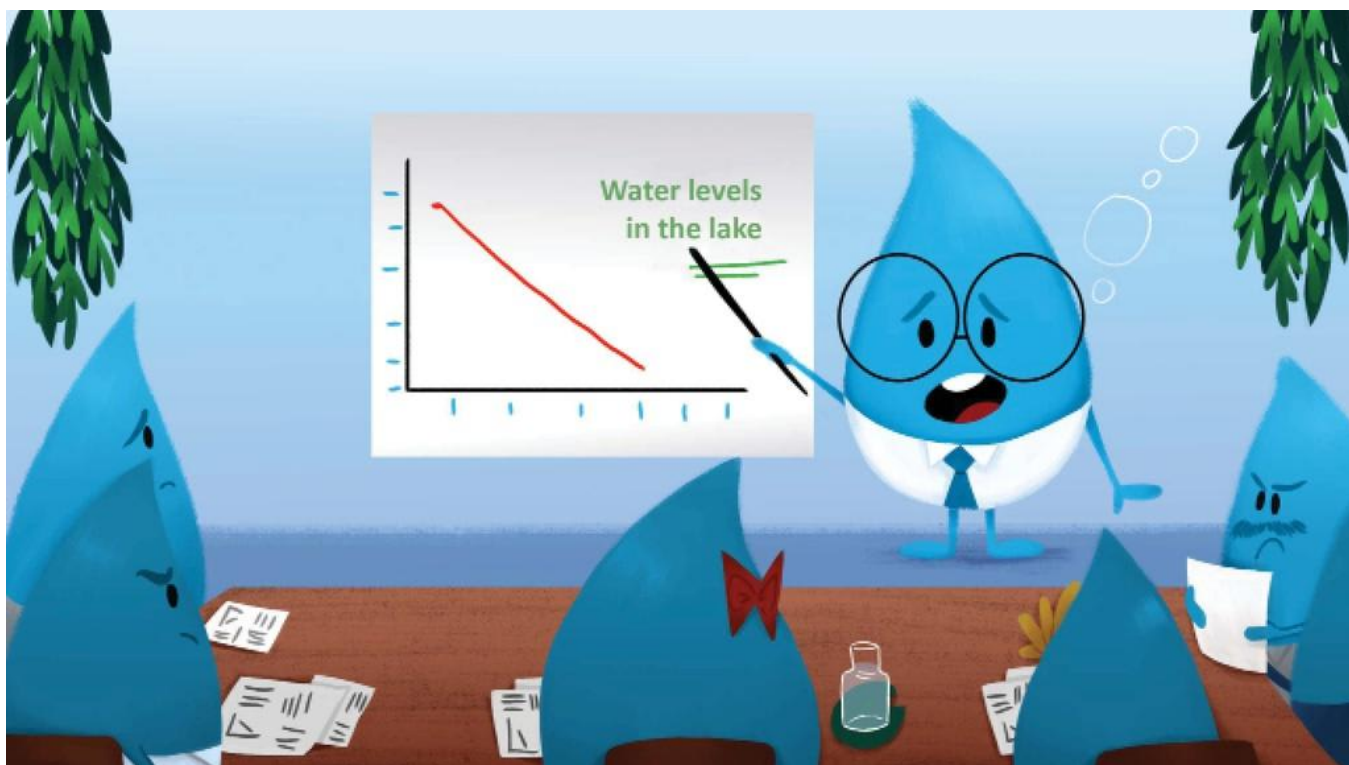
نقاش: شیما سوپی

برگرداننده به دری: ملیحه بهرام

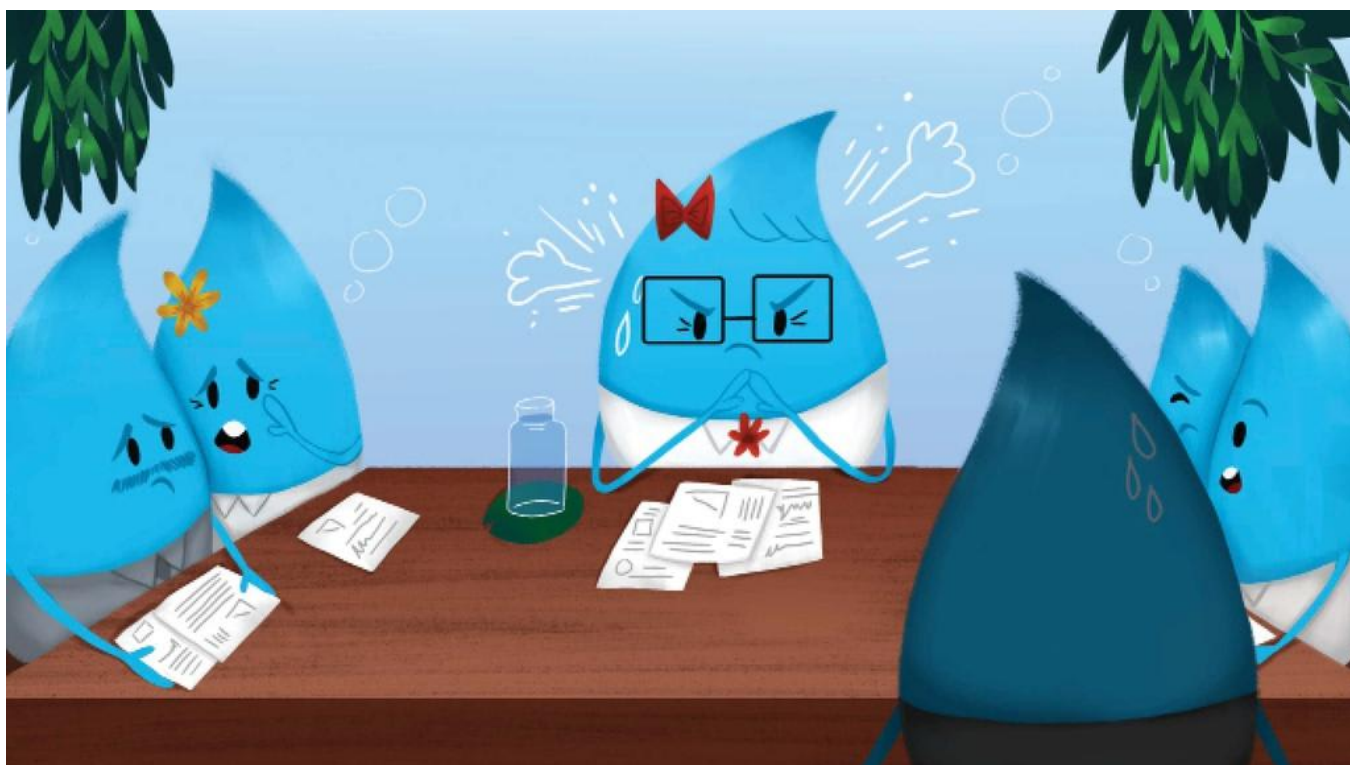
---

The original work of this book was made possible through the generous support of the All Children Reading: A Grand Challenge for Development (ACR GCD) Partners (the United States Agency for International Development (USAID), World Vision, and the Australian Government). It was prepared by Asafeer Education Technologies FZ LLC and does not necessarily reflect the views of the ACR GCD Partners. Any adaptation or translation of this work should not be considered an official ACR GCD translation and ACR GCD shall not be liable for any content or error in this translation.





در جریان جلسه شورای کیفیت، قطرات آب از اثر فشار اضافی در حال تبخیر شدن بودند.



کیت، رئیس شورا آنقدر عصبانی بود که بقیه اعضا می ترسیدند که او باعث سونامی شود.

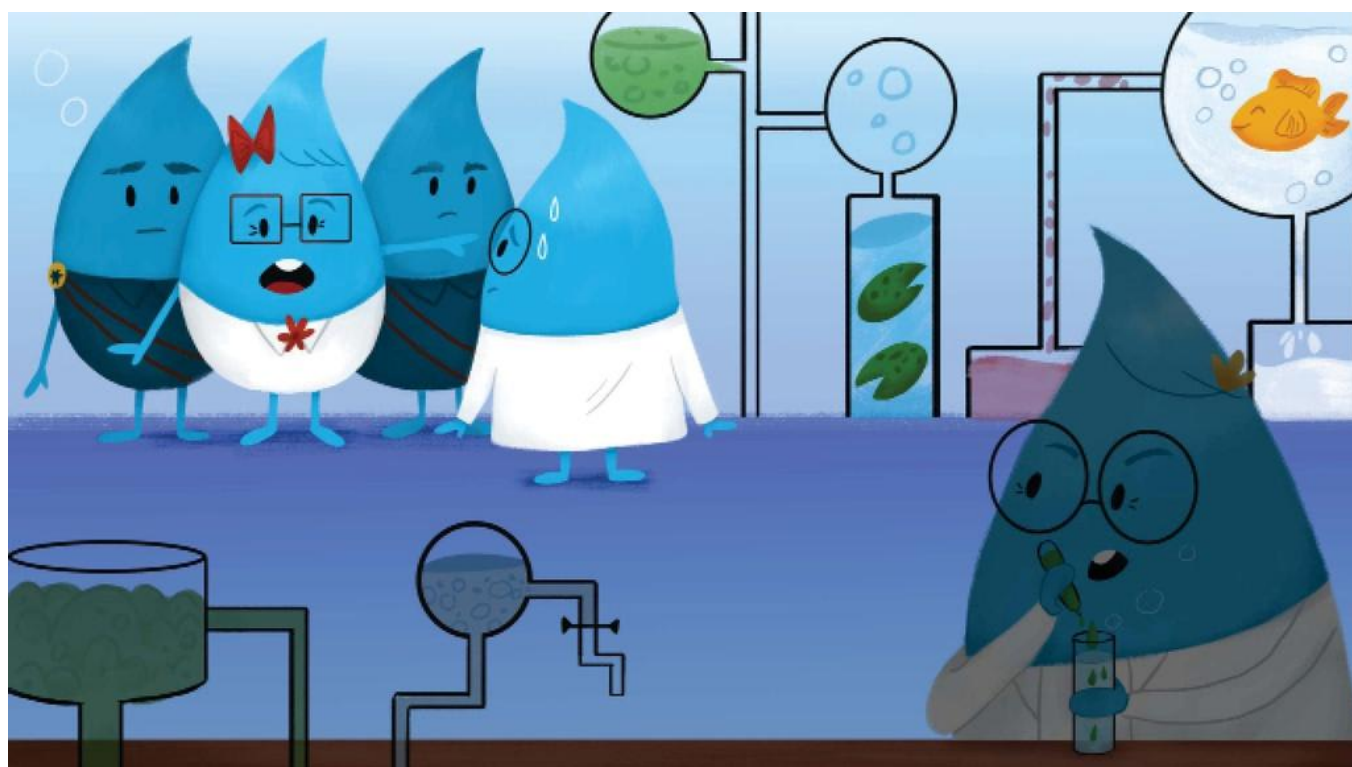


سطح آب دریاچه مصنوعی برای این وقت سال بسیار کم بود.





اگر سطح آب در زمستان به این اندازه است، در تابستان به چی اندازه خواهد بود؟" کیت در حالی که از گوش هایش بخار بیرون می شد پرسید. من باید بفهمم که سطح آب چرا در حال کم شدن است؟" کیت از اشتراک کنندگان توزیع خواست



شروع کنید. "کیت امر کرد و همه به ماموریت خود پرداختند"





کیت و لشکر اش در بوتل ها راهی خانه ها شدند. او یک دختر را دید که در داخل تپ پر از کف صابون حمام می کرد. کف های صابون از تپ بالا و بالا و بالا می رفت. آب روی زمین جاری شد. همه جا رابه خاطر او آب گرفته بود  
"کیت گفت، "اوه نی! این اتلاف آب است. اکنون ما باید جلو این کار را بگیریم"



کیت قطرات آب سرد دیگر را خواست. همه آنها داخل تپ حمام شدند و شنا کنان نزدیک دختر رسیدند، تا که او احساس سردی کند و نل آب را بسته کند



خوب، آیا او نل آب را بسته کرد؟  
نی، در واقع او آب گرم را باز کرد و به این طریق آب بیشتری را ضایع کرد.

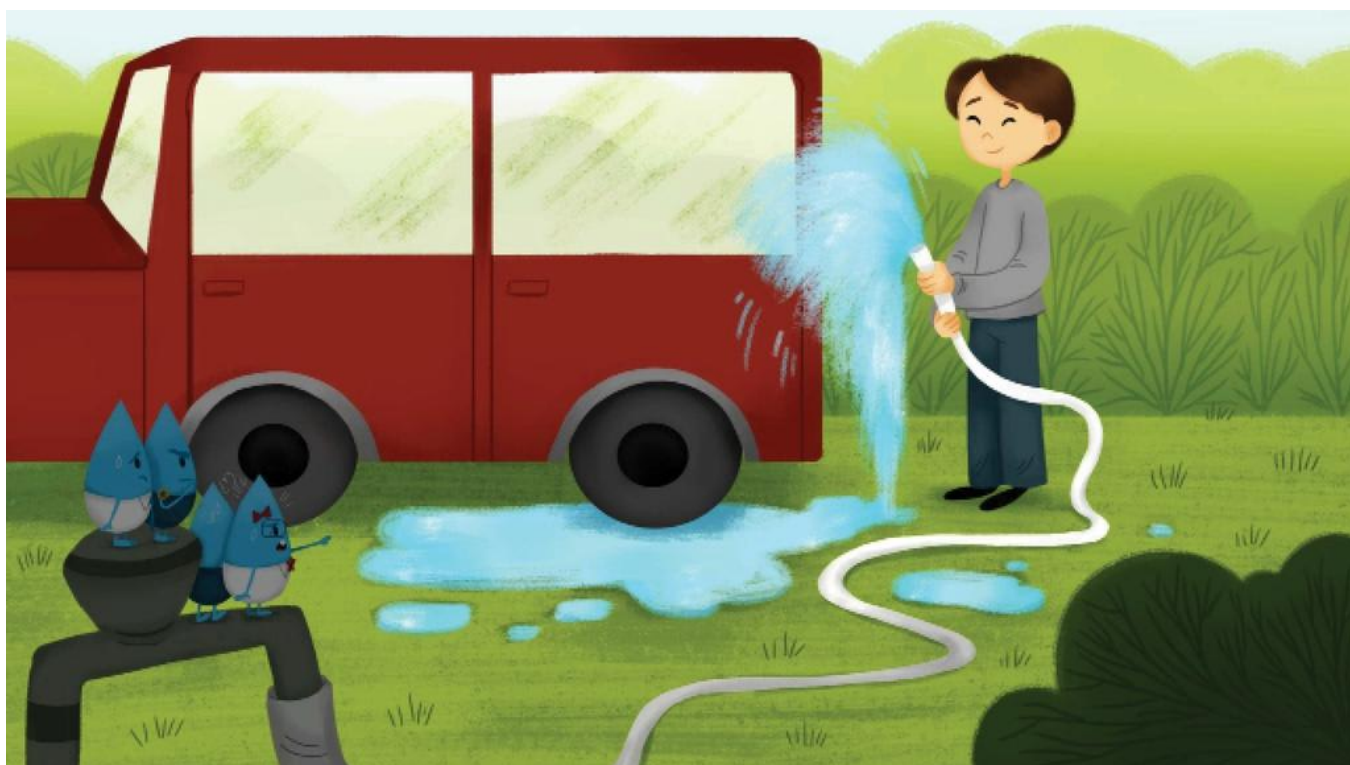


"کیت گفت، "ما باید راه حلی پیدا کنیم"



او با دوستان اش به ماموریت خود ادامه دادند تا که به یک نل آب که به یک پایپ وصل بود رسیدند



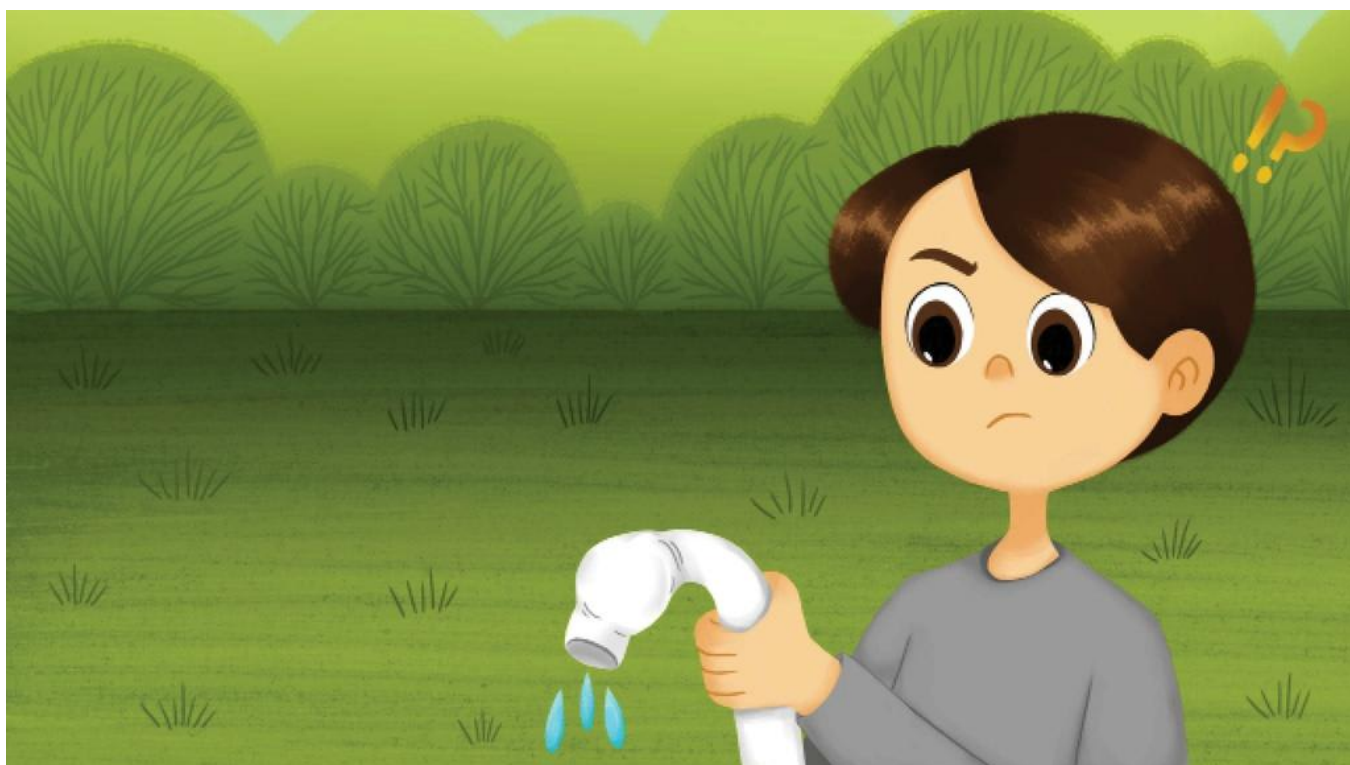


او مردی را دید که موتر خود را با پایپ آب شستسو می کرد. پایپ آب تا حداکثر قدرت اش باز بود. او همه آب را برای خود گرفته بود. کیت با خو فکدر، "این اتلاف آب است. حالا باید جلوی این کار گرفته شود

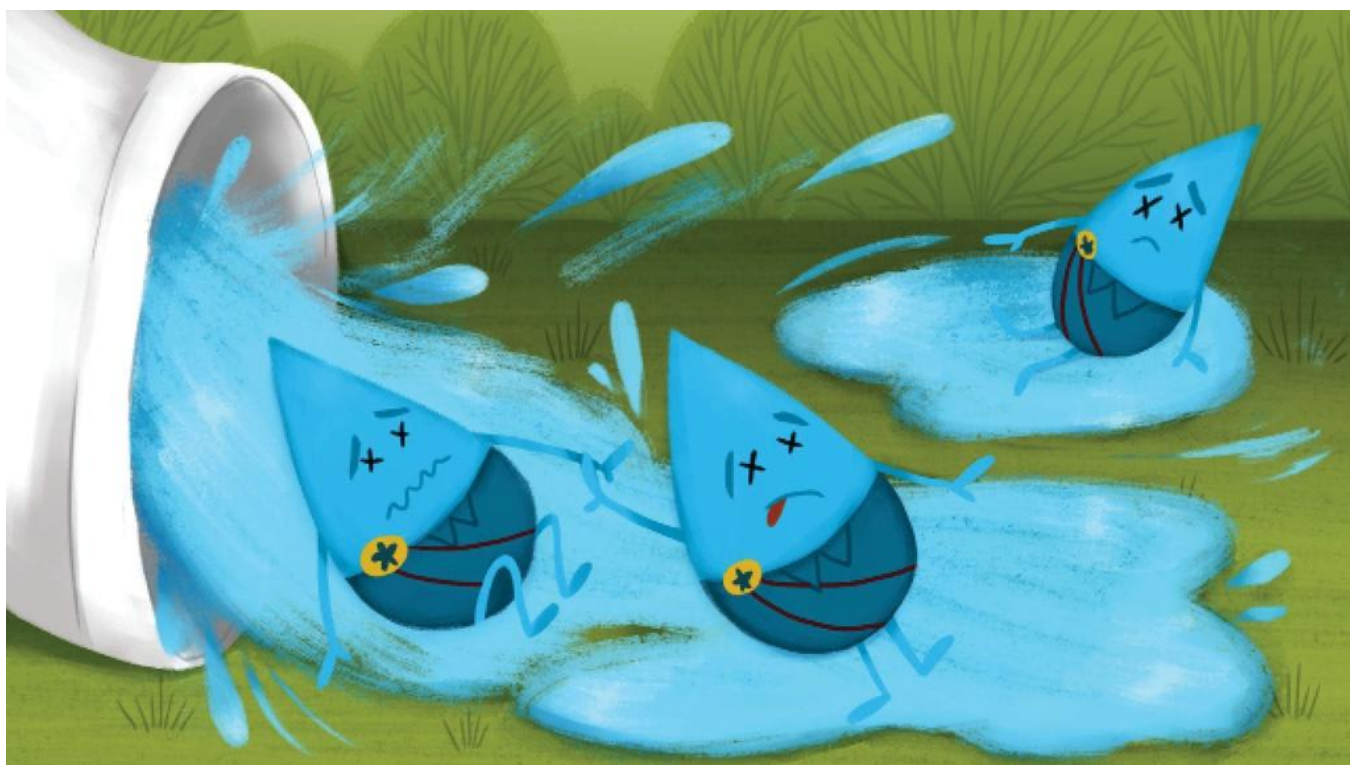




کیت از تیم خود خواست تا بیشتر از همیشه با هم اتحاد داشته باشند. او گفت، 'جریان آب را توقف دهید و پایپ آب را بکفانید تا مرد مجبور شود نل آب را ببندد'



آب بسیار کمی از پایپ آمد و پایپ در حال کفیدن بود.  
بنابراین آیا مرد نل آب را بست؟

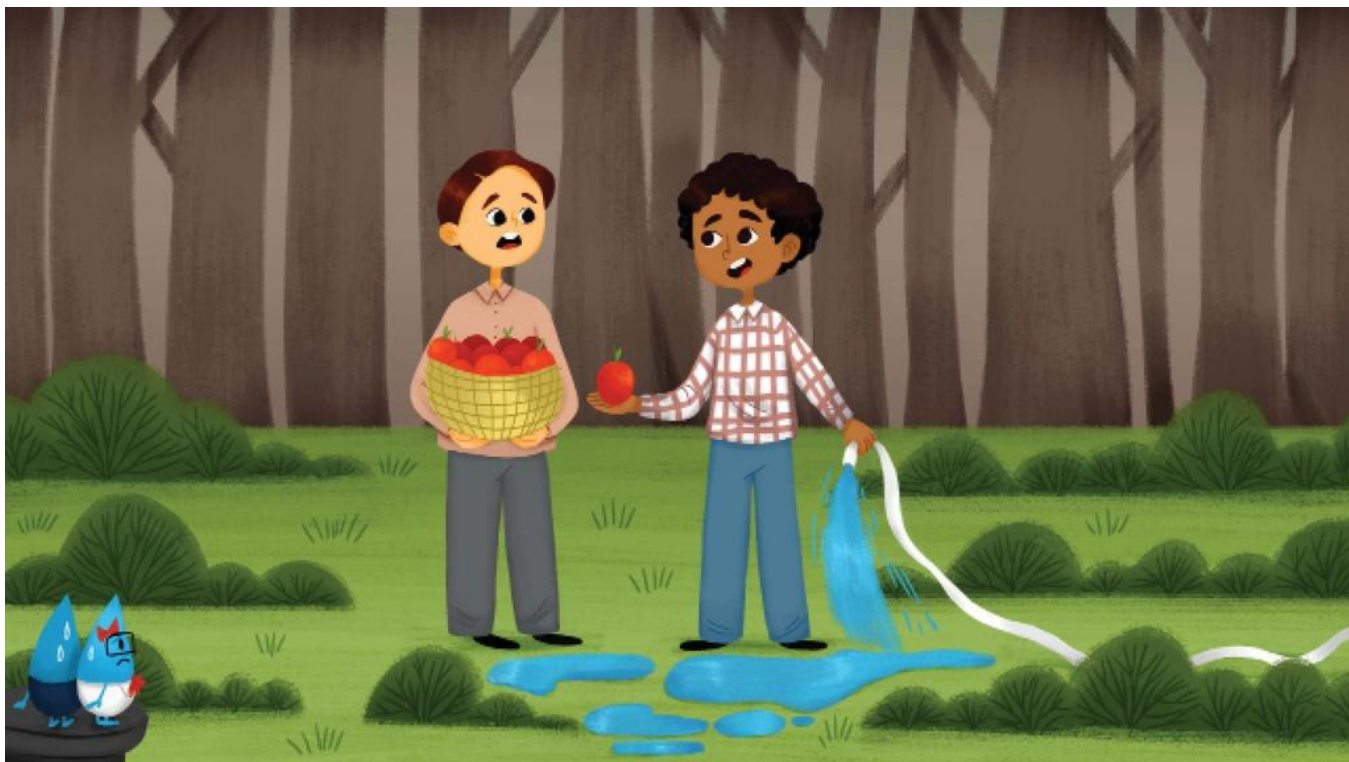


نی، بعد از لحظه ی قطرات آب بر قطرات آب اضطراری غلبه کردند و آب دوباره سرازیر شد



"کیت گفت، "ما باید دوباره تحقیق کنیم"





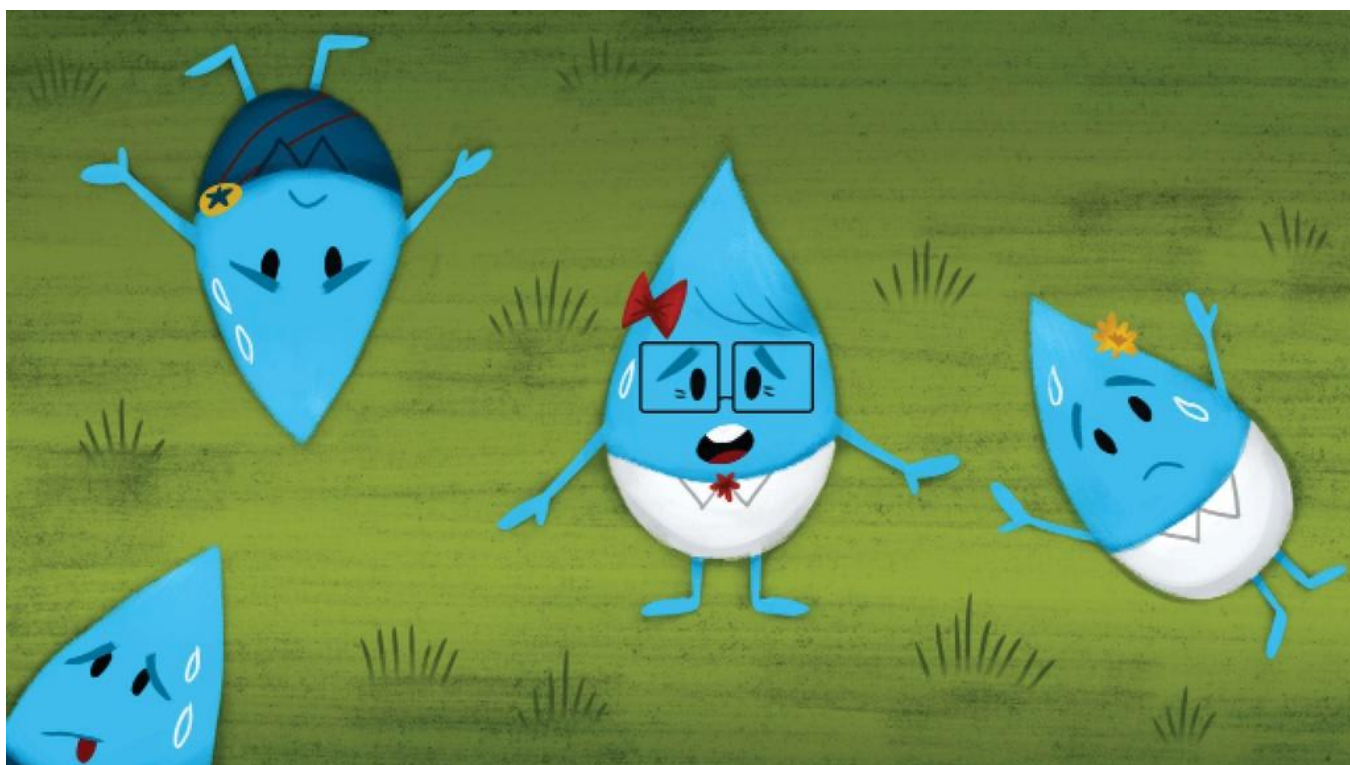
او با تیم خود به سفر ادامه داد و به منطقه آبیاری یک مزرعه رسیدند. باغبان پایپ آب را با حداکثر توان باز کرده بود تا گیاهان را آبیاری کند و خودش مشغول صحبت با دوست اش بود

"گیت گفت، "این اتلاف آب است باید همین حالا باید جلوی اینکار گرفته شود





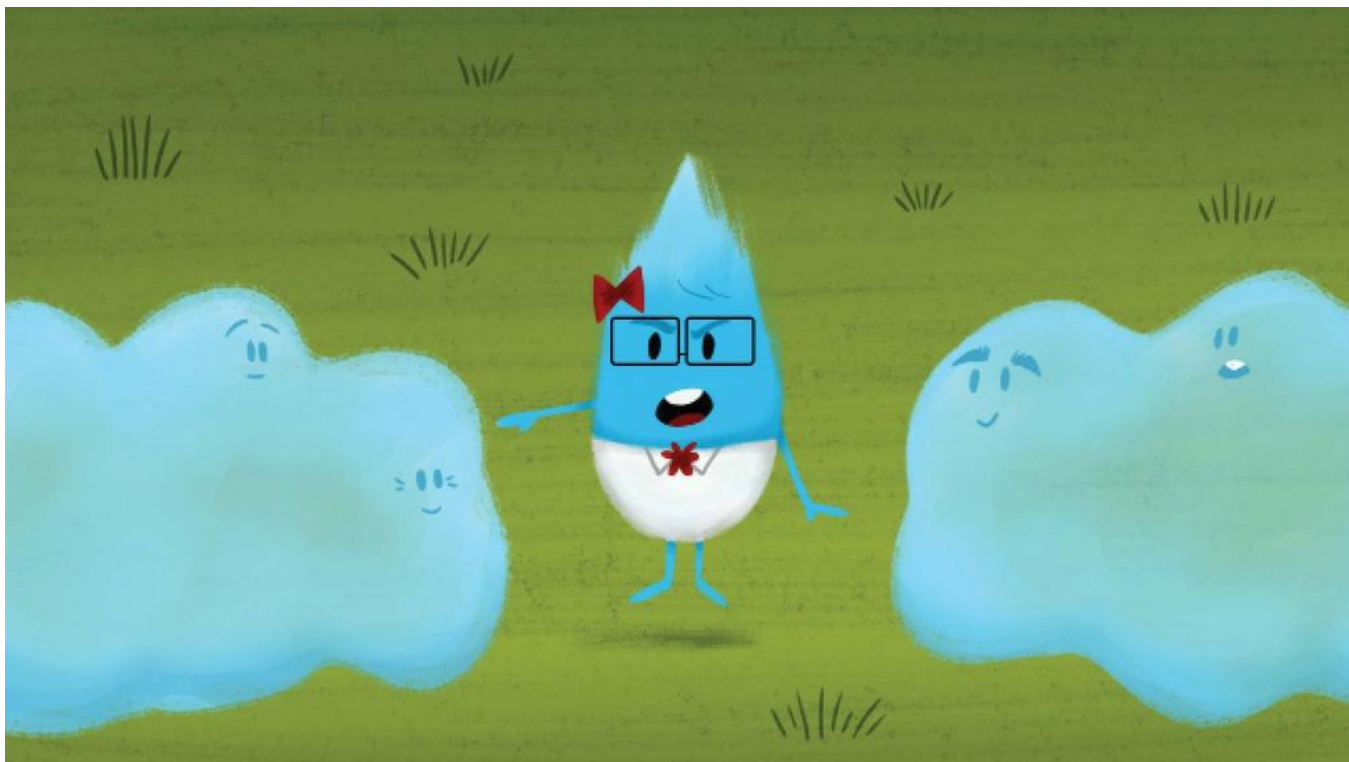
کیت به تیم آب اضطراری دستور داد تا داخل نل آب شوند. و خودش هم داخل شد. او قطرات آب را با بازوی خود محکم گرفت تا دوستانش بتوانند جریان آب را بسته کنند بنابراین، آیا آنها توانستند نل آب را بسته کنند؟



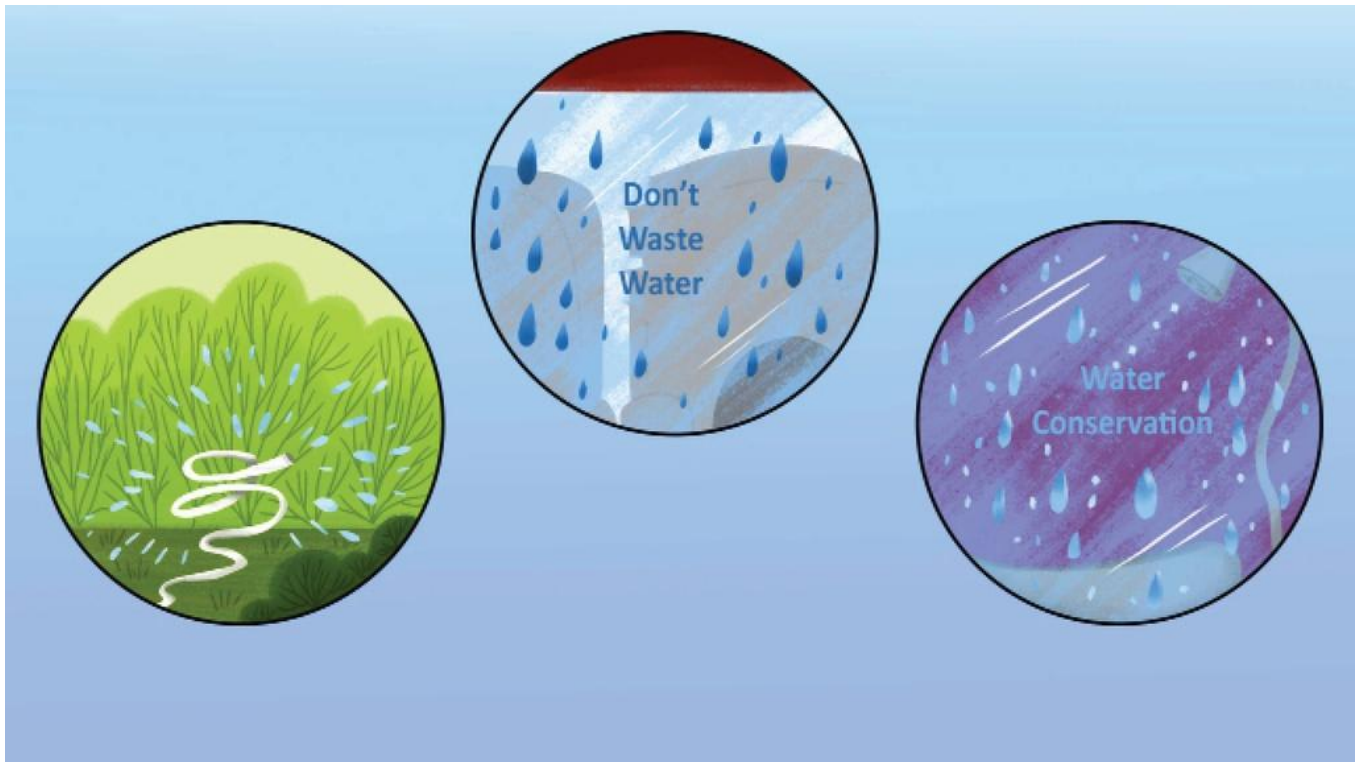
نی، نتوانستند. آنها دست گیر آب را کمی دور دادند، اما بسته نکردند. همه قطرات در روی زمین ریخت. کیت بسیار خسته بود، او اولین قطره ی بود که به زمین افتاد. او گفت، "من روی سبزه ها برای مدتی می خوابم من بسیار خسته هستم"



زمانی که او روی سبزه ها دراز کشیده بود حرارت شدیدی از آفتاب را احساس کرد که برای این وقت سال غیر معمولی بود.  
یک مفکوره فوق العاده به ذهن کیت آمد، او به سرعت تبخیر شد تا بتواند قبل از کم شدن گرمی آفتاب به کار شروع کند



کیت به نیروی های اضطراری دستور داد تا دخالت کنند، "به سمت آینه تشناپ ه"ا گروه دوم، "به سمت کلکین های موترها" و گروه سوم، به سمت پایپ های اب. آنها با شتاب شروع به کار کردند زیرا وقتی که آنها تبخیر میشوند سریعتر کار کرده می توانند. و باید قبل از اینکه متراکم شوند کار را تمام کنند

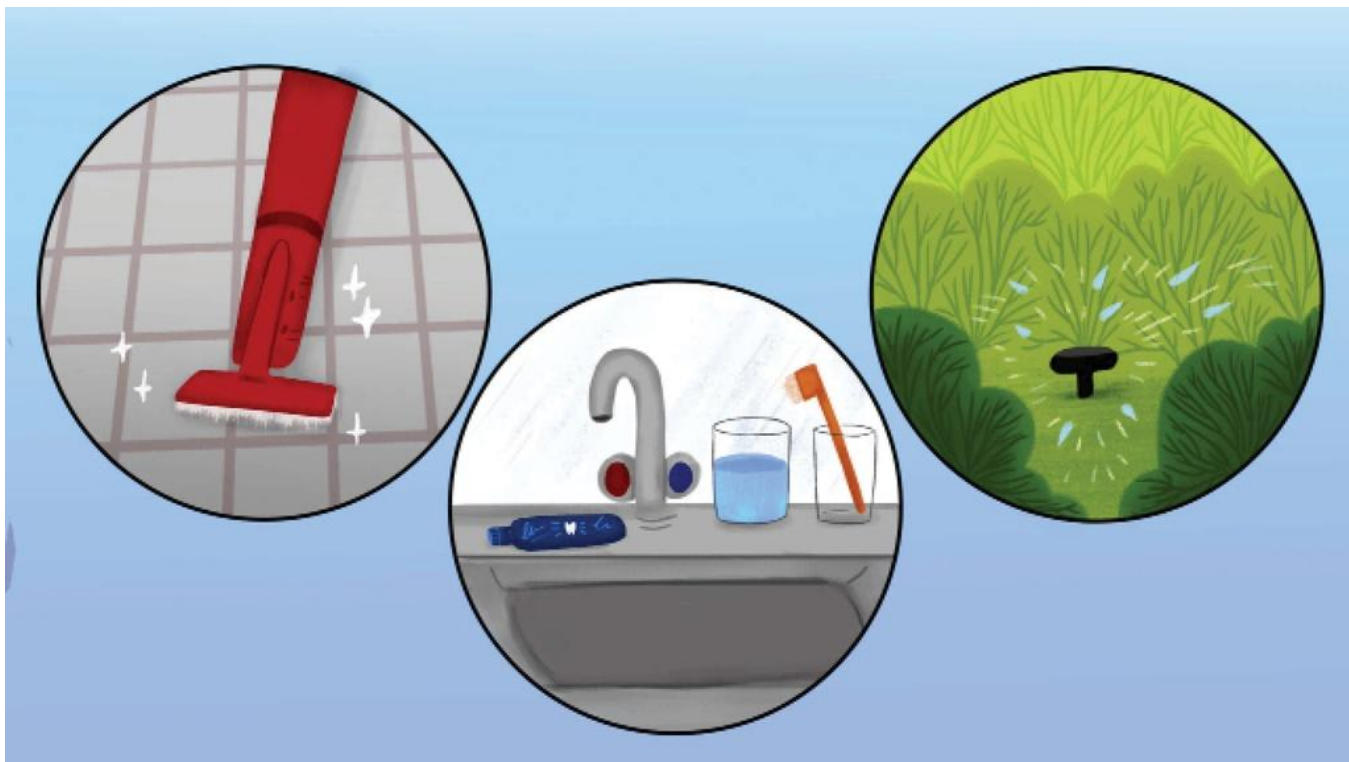


در روی آینه تشناب ها آنها نقاشی کردند در روی کلکین موتر ها نوشتند و در پایپ آب همه توانایی خود را استفاده کردند. پایپ آب از دست باغبان به زمین افتاد و به شکل دایروی شروع به آب دادن مزرعه کرد. آب به کمترین میزان به همه گیاهان به سرعت رسید. اما آیا کسی به این پیام ها توجه کرده است؟





مرد که موتر خود را می شست آب را بند کرد و پایپ را در گوشه ی گذاشت. او با استفاده از اسفنج و سطل آب موتر خود را شست. دختر حمام کردن در تپ را توقف داد و ایستاده شده یک شاور عاجل گرفت



از آنروز به بعد باغبان از پایپ برای آبیاری استفاده نکرد در عوض او از آب پاش هاییکه به شکل دایروی آبیاری می کردند استفاده کرد. پسر نل آب را بست و در عوض برای غرغره کردن از گیلان استفاده کرد. همسایه به عوض شستن هر روزه خانه اش از جاروی برقی استفاده کرد، اما یگان بار فرقی ندارد. آب برای همه است



---



**The End**